

S

فرهنگ مردم

کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم امریکا

ریچرد آلن اسپیرز

بابک محقق • مسعود قاسمیان

همراه با "جستاری در چیستی اسلنگ"

L

A

N

G

فرهنگ مردم

کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم امریکا

ریچرد آلن اسپیرز

همراه با

“جستاری در چیستی اسلنگ”

بابک محقق / مسعود قاسمیان

با همکاری

آرش کلانتری



نشر پیام امروز

تهران: ۱۳۹۷

سرشناسه: اسپیرز، ریچرد ا.، ۱۹۳۹ - م. Spears, Richard A.
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم امریکا / ریچرد آلن اسپیرز؛
مترجمین مسعود قاسمیان، بابک محقق؛ با همکاری آرش کلانتری.

مشخصات نشر: تهران: پیام امروز، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۷۰۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۰۶-۷۰-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: NTC's dictionary of American slang and colloquial expressions.

موضوع: زبان انگلیسی امریکایی -- اصطلاحات و تعبیرها -- واژه‌نامه‌ها

موضوع: English language -- United States -- Idioms -- Dictionaries

موضوع: بدیع -- واژه‌نامه‌ها 'Badj* - Dictionaries

موضوع: اصطلاح‌های امریکایی -- واژه‌نامه‌ها Americanisms -- Dictionaries

شناسه افزوده: قاسمیان، مسعود، ۱۳۴۹ - مترجم / شناسه افزوده: محقق، بابک، ۱۳۵۱ - مترجم

شناسه افزوده: کلانتری، آرش، ۱۳۵۰ - همکار، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۴ف۵الف / PE ۲۸۴۶ / رده بندی دیویی: ۴۲۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۲۷۱۲۴



نقد: پیام امروز

فرهنگ مردم

کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم امریکا

ریچرد آلن اسپیرز

همراه با «جستاری در چیستی اسلنگ»

مترجمان: بابک محقق / مسعود قاسمیان

با همکاری آرش کلانتری

ناشر: پیام امروز؛ با همکاری کتابفروشی لارستان

طرح جلد: محمدباقر جاوید

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: باختر، معرفت، علی

قیمت: ۷۲۰۰۰ تومان

نشانی ناشر: تهران، خیابان لبافی‌نژاد، بین فروردین و فخر رازی، شماره ۲۰۰، طبقه اول، تلفن: ۶۶۴۹۱۸۸۷

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۷۰۶ - ۷۰ - ۶

payam_emrooz@yahoo.com

t.me/payamemroooz/582

فهرست

هفت	تقدیر و امتنان
نه	مقدمه نویسنده
سیزده	جستاری در چستی اسلنگ
سیزده	از زیروجم اسلنگ: رام کردن زبان سرکش
چهل و هفت	چه باشد آنچه خوانندش "اسلنگ"؟
نود و هفت	کتاب نامه مقدمه
صد و هفت	راهنمای استفاده از این فرهنگ
صد و پانزده	علائم اختصاری و نشانه ها
صد و نوزده	راهنمای آوانگاری
صد و بیست و یک	کتاب نامه منابع پیکره ای

تقدیر و امتنان

برگزیدن نام فرهنگ مردم برای این کتاب تلویحاً بدان معناست که مترجمان خوشه‌چسین میوه‌های پر بار فرهنگ مردم سرزمین خود بوده‌اند. از این رو سپاس و قدردانی خود را نشر همه مردمی می‌کنیم که در خلق، حفظ و اشاعهٔ زبانی این چنین زنده و پویا، بی‌آن‌که خود بدانند و طلب‌کار مزد و منتی باشند، لحظه‌ای مکث و درنگ نورزیده‌اند: کافی است دقایقی چند در مدرسه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و اتوبوس‌های سراسر وطن پا سست کنیم و گوش و دل خود را به مهمانی واژه‌ها و تعبیر نغز بریم: موج خوش‌آهنگی که در این ضیافت رنگین طنین می‌اندازد بی‌گمان جلابخش روح عاشقان زبان یا، به تعبیر ما "زبان‌بازان"، خواهد بود. پژوهشگران عرصهٔ فرهنگ عامه که دست‌کم از انقلاب مشروطه به بعد در ثبت و ضبط زبان مردمان کوچه و بازار همتی والا به خرج داده‌اند و فرهنگ‌نگارانی نظیر علی‌اکبر دهخدا، امیرقلی امینی، محمدعلی جمال‌زاده، احمد شاملو و ابوالحسن نجفی که با اراده‌ای پولادین و پشت‌کاری رشک‌برانگیز یک‌تنه چارگوشهٔ چنین قلمرو وسیعی را درنور دیده‌اند بی‌گمان شایستهٔ پرمهرترین درودها و خالصانه‌ترین ستایش‌ها بایند. حاصل جان‌فشانی این بزرگان، ولو گاه کم‌بهره از نظم و انسجامی که درخور فرهنگ‌های چنین است، اینک در اختیار ماست تا به‌اتکای منابع روشمندی که از مراکز و مؤسسات پژوهشی تراز اول غرب و دریای بی‌کران دنیای مجازی نصیب خود ساخته‌ایم دست‌کم چند گامی به‌پیش برداریم. حال که سخن بدین‌جا رسید فروتنانه معترفیم که پای‌گذازدن در این اقیانوس بی‌انتهای سرسبک‌سری و خام‌اندیشی جوانانه بوده (هرچند اینک به میان‌سالی رسیده‌ایم از پس پانزده سالی که به ترجمه و ویرایش و تنظیم کتاب گذشته است) که اگر به صعوبت راه آگاه می‌بودیم، چه می‌دانیم، ای‌سا حزم و احتیاط غلبه می‌کرد و قلم در غلاف می‌نهادیم. با این حال، تشویق‌ها و دل‌گرمی‌های بسیاری از یاران و هم‌دلان آتش اشتیاق‌مان را، به‌رغم یأس‌ها و نگرانی‌هایی که گاه مستولی می‌شد، روشن نگاه داشت. از میان همهٔ همراهان

محسن بهشتیان عزیز با حمایت‌های معنوی و مادی خود سهم بزرگی در حرکت آهسته و پیوسته قافلهٔ فرهنگ داشت و در سال‌های میانی دههٔ ۱۳۸۰ اتاقی "دنج" در اختیار نهاد تا در تنگنای کار امن آرامشی یابیم. گشاده‌رویی و پشتیبانی او و ناشر محترم، آقای محمدعلی مرادی، نعمتی بود که قدر آن را تنها درآشنایان عرصهٔ پژوهش و نگارش می‌دانند، همانان که دل‌شان از "بدویدوها"ی برخی ناشران غافل و راه‌گم کرده خون است. همکاری و مصاحبتی که اکنون به بیش از دو دهه رسیده است هیچ‌گاه از دایرهٔ احترام خارج نشده و تعامل مسالمت‌آمیز طرفین — دست‌کم به‌زعم مترجمان — همواره غنیمتی گرانقدر بوده است.

آرش کلاتری عزیز، رفیق گرمابه و گلستان، در پنج-شش سال انتهای کار یار و مددکار واقعی بود و حق دوستی را فراتر از هر تعریف و تفسیری به‌جا آورد. تردید نداریم که بدون حضور او این "قافلهٔ اس(لنگ)" تا دیرزمانی دیگر به مقصود نمی‌رسید و همو بود که با انداز و تحریض‌های پیایی ما را از خواب‌آلودگی به‌درمی‌آورد. از نکته‌بینی و دقت نظر او درنگ‌دریم که چه‌بسیار چاره‌ساز بود و در رفع ایرادها و کمبودها یاری‌بخش. هادی محقق گرامی در تمامی این سال‌ها خوانندهٔ دائمی نیمهٔ فارسی کتاب بود و با تیزبینی خاص خود صدها غلط مطبعی را از دل کار بیرون کشید. بیژن جواهریان، نوژن شریف‌بخش و علی‌علی‌زاده هریک در مقطعی به جمع ما پیوستند و مشفقانه سهم خود را ادا کردند: قدردان لطف هر سهٔ آنانیم. بسیاری از دوستان دور و نزدیک دیگر نیز طرف مشورت و پرسش ما بوده‌اند که بی‌گمان نقش انکارناپذیری در بهبود کیفیت کتاب داشته‌اند: سپاس‌گزاریم.

در تمام مسیری که این سال‌ها پیموده‌ایم خادمان کم‌نام‌ونشان عرصهٔ فرهنگ — حروف‌نگاران و صفحه‌آرایان — به‌گمان ما ستون و استوانه‌ای بی‌جان‌نشین بوده‌اند: از دست و زبان که برآید / کز عهدهٔ شکرش[ان] به‌در آید. شالودهٔ کار را مدیر مؤسسهٔ حروف‌نگاری "راه شهاب"، آقای محمدعلی جعفری، با دقت و سلیقه‌ای بی‌مانند نهاد و در ادامهٔ راه نیز ثابت کرد که در وسواس و کمال‌گرایی کم از ما ندارد. بی‌شک صبر و حوصلهٔ او در اعمال اصلاحات یا به‌قول ایشان "شخم‌زنی"های چندبارهٔ ما بسی روحیه‌بخش بود. در ادامهٔ راه دو یار پرتوان دیگر، میثم رادمهر و فریدون سامانی، به کاروان فرهنگ پیوستند که صبوری و همراهی بی‌مانند و سلیقهٔ ممتازشان در آراستن صورت کار و پیراستن آن از حشو و زوائد قطعاً از نگاه اهل نظر دور نخواهد ماند. محمدباقر جاوید در طراحی جلد چشم‌نواز خود نهایت هم‌دلی را نشان داد و از او نیز صمیمانه متشکریم.

می‌ماند سپاس و تقدیر صمیمانه از اعضای خانواده‌مان که هرگونه زیان و کج‌خلقی را به‌جان و دل پذیرفتند تا "جا‌زنیم" و دریا را تجربه کنیم.

مقدمه نویسنده

سومین ویراست فرهنگی که پیش روی شماست حاوی بیش از ۸۵۰۰ کلمه، تعبیر و عبارت و اصطلاح جدید است (جدا از مدخل‌های دو ویراست قبلی فرهنگ) که در چند سال اخیر در کوچه‌ها و خیابان‌ها و همچنین در مدرسه‌ها و دانشگاه‌های امریکا ساخته و باب شده‌اند. اکنون که نخستین سال‌های هزارهٔ نو را سپری می‌کنیم چه انتظاری از زبان / گونهٔ اسلنگ داریم؟ گویی قاعده بر جای خود باقی است: اسلنگ کماکان ترکیبی است از کلمات و تعبیری که به مسائل جنسی، دشنام‌ها، توهین‌ها، زبان خلاف‌کاران و جز آن مربوط می‌شود و در این میان البته بازی زبانی جایگاهی ویژه دارد.

این فرهنگ مجموعه‌ای است از اصطلاحات عامیانه، گفتاری و محاوره‌ای قرن بیستم که در امریکا متداول است و بسیاری از مردم آن را در کوچه و خیابان بر زبان می‌آورند؛ هرچند ای‌سا برخی از این‌ها به‌گوش همگان آشنا نیایند و فقط در جمع معدودی از گروه‌های اجتماعی همچون خلاف‌کاران، پزشکان و پرستاران، دانشجویان، "بروچیه‌ها"ی سواحل کالیفرنیا، نوجوانان "پرسه‌زن" کوچه‌پس‌کوچه‌ها، بورس‌بازهای وال‌استریت، زندانی‌ها، موج‌سوارها، معتادها، دخترهای بالاشهری سن‌فرانسیسکو، سیاه‌پوست‌ها و "زیبایی‌کارها" کاربرد داشته باشند. بدنهٔ این فرهنگ را اصطلاحات باب روز، کلمات مجازی، بازی‌واژه‌ها (واژه‌هایی که محصول بازی با کلماتند) تشکیل می‌دهند.

واقعیت این است که هنوز ملاک و معیار دقیقی برای تشخیص اسلنگ از غیراسلنگ و گفتاری از غیرگفتاری در اختیار نداریم. بسیاری از تعبیر و اصطلاحاتی که ذیل مقولهٔ اسلنگ قرار می‌گیرند، اغلب حاصل بازی با کلمات و قریب به اتفاق آن‌ها شکل دیگرگونه‌ای از ادای کلمات عادی‌اند. ناگفته پیداست که کلمات گفتاری یا محاوره‌ای در زبان گفتار و نه نوشتار ظاهر می‌گردند و ساده و صمیمی‌اند و دلنشین. اصطلاحات اسلنگی و گفتاری به‌صور گوناگونی نمودار می‌شوند: تک‌کلمه، کلمات مرکب، عبارت‌های ساده،

اصطلاحات، تعبیرات یا جمله‌های کامل. این گونه کلمات و عبارات معمولاً در دایره کاربرد نویسندگان و سخن‌گویان محتاط و محافظه‌کار و همچنین گفت‌وگوهای رسمی و تجاری جای ندارند و برای یافتن آن‌ها باید به فیلم‌ها، برنامه‌های رادیو-تلویزیونی، روزنامه‌ها، مجله‌ها و گفت‌وگوهای غیررسمی یا خودمانی رجوع کرد.

اصطلاحات روز معمولاً عمری کوتاه دارند اما سایر تعابیر اسلنگی چه‌بسا رواج بیش‌تری یافته تا سالیان سال به حیات خود ادامه دهند. هر قدر که این اصطلاحات بیش‌تر رواج یابند ماندگارتر خواهند بود. اگر به قدر کافی عمر کنند بر سر زبان‌ها می‌افتند و لاجرم در زمره گونه معیار زبان انگلیسی قرار می‌گیرند. بسیاری از این تعابیر اسلنگی به جمع عظیم اصطلاحات مشابه راه می‌یابند و بر اثر کثرت استعمال کلمات جدید جایگزین آن‌ها می‌شوند. اصطلاحات قدیمی‌تر پس از مدتی به بوته فراموشی سپرده شده جای خود را به نسل جدیدتری از کلمات و اصطلاحات می‌دهند. تعداد زیادی از آن‌ها نیز که به حیات خود ادامه می‌دهند سر از رمان و فیلم درمی‌آورند یا گاه بر زبان مردان و زنان مسن جاری می‌شوند.

در بیش از دویست سال اخیر اصطلاحات زبان جاهلی و لُپنی یا زبان خلاف‌کاران یکی از منابع اساسی تولید واژگان و تعابیر اسلنگی بوده‌اند. از زمان منع فروش و مصرف الکل در امریکا (از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳) ذهنیت عامه مردم این کشور با مفاهیم و کلمات مرتبط با الکل، مواد مخدر و جرم و جنایت درآمیخته بوده است. در نیم قرن اخیر رمان‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های رادیو-تلویزیونی مملو از اصطلاحات جنایی و پلیسی شده‌اند. این فرهنگ حاوی بسیاری از اصطلاحات این حوزه‌هاست که در سالیان گذشته در صحنه عمومی ظاهر شده هرچند شمار بیش‌تری از آن‌ها در پس "درهای بسته" مانده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که هرچند کلمات "ممنوع / تابو" در معنای دقیق کلمه "اسلنگ" به شمار نمی‌روند، عمده آن‌ها را در ویراست جدید این فرهنگ گنجانده‌ایم. این فرهنگ حاوی صدها اصطلاح روز و بازی‌واژه‌های دانشگاهی نیز هست که از دل گفت‌وگوهای روزمره نوجوانان برآمده؛ ضمن این که همین زیرگروه زبانی ده‌ها لقب تمسخرآمیز یا توهین‌آمیز برای انواع تیپ‌های اجتماعی ساخته است که آن‌ها را نیز آورده‌ایم.

علاوه بر اصطلاحات طنزآمیز یا کنایی، از زبان روزمره مردم امریکا نیز غافل نمانده‌ایم. هر جا که ممکن بوده است شواهدی از زبان زنده و طبیعی عامیانه و محاوره‌ای ذکر کرده‌ایم، ولو آن‌که به لحاظ دستوری از اصول نگارش رسمی تخطی کرده باشیم. این شواهد مثال آینه زبان عامیانه‌اند و از همین رو در چارچوب زبان معیار و رسمی قرار نمی‌گیرند.

بسیاری از اسلنگ‌واژه‌ها، به هر حال، رنگ‌وبویی از مسائل نژادی، قومی، جنسی، شغلی

و جز آن دارند، و از این رو سخت توهین آمیز و برخوردنده اند؛ گو این که برخی معتقدند این اسلنگ واژه‌ها را اساساً باید "ممنوع / تابو" قلمداد کرد. با این حال، ما خود را بابت درج چنین کلماتی بدھکار پوزش به کسی نمی‌دانیم. این اسلنگ واژه‌ها توهین آمیزند، که اگر نبودند دیگر نمی‌شد آن‌ها را اسلنگ در شمار آورد. از طرف دیگر، همه آن‌ها در این فرهنگ نیامده و رکیک‌ترین کلمات حذف شده‌اند. اسلنگ اسلنگ است و فرد علاقه‌مند کثیری از آن‌ها را در جمع واژگان غیرمعیار خواهد یافت. اتفاقاً به نظر ما خوب است که کلمات بی‌ادبانه و توهین آمیز را درج کنیم و با مشخص کردن سیاق آن‌ها یا برچسب‌زنی (یعنی ذکر طنز آمیز، توهین آمیز، بی‌ادبانه یا ممنوع / تابو بودن آن‌ها) به کمک افراد نامطلعی بیاییم که در هر صورت به هنگام تماشای تلویزیون، در سینما یا تئاتر، در رمان یا مجله، در محل کار، در فروشگاه، یا در کوچه و خیابان با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند.

ماهیت دستوری و نحوی هر اصطلاح به مدد مثال‌ها یا شاهد مثال‌هایی آمده که پس از تعریف سرمدخل مشخص شده‌اند. مفهوم "هویت‌نما" ارتباط مستقیم با کارکرد هر واژه یا تعبیر دارد. کلمه‌ای که در قالب بند یا عبارت ظاهر شده دارای هویت یا نقش دستوری مختص خود است اما نکته حائز اهمیت این است که هویت دستوری کل عبارت مدنظر قرار می‌گیرد. مثلاً عبارت *to hell and gone* ترکیبی از چهار کلمه با هویت‌های دستوری متفاوت است منتها ما کل عبارت را ملاک قرار داده‌ایم که نقش وصفی دارد. در مقابل تمامی مداخل موجود در فرهنگ نشانه‌ای (code) قرار گرفته است که ماهیت کارکردی آن‌ها را مشخص می‌کند. این نشانه‌ها کارکرد مدخل را مستقل از صورت مشخص می‌نمایند؛ مداخلی که کارکرد یکسانی دارند برچسب هویت‌نمای مشابهی می‌گیرند. مثلاً اسم‌ها، ترکیبات اسمی، عبارات اسمی و بندهای اسمی با نشانه *n*. به جای "nominal" (گروه اسمی) مشخص شده‌اند. برای آشنایی با این نشانه‌ها به بخش "راهنمای استفاده از این فرهنگ" مراجعه کنید.

برخلاف زبان انگلیسی معیار، فقط شمار اندکی از واژگان و اصطلاحات محاوره‌ای املا یا علائم سجاوندی تأیید شده و معیار دارند. جالب این که خود فرهنگ‌های معیار نیز در کاربرد علائم سجاوندی توافق نظر ندارند و گاه کلمات ترکیبی را به صورت پیوسته، ناپیوسته یا همراه با تیره کوتاه بین کلمات می‌آورند. املاي اسلنگ واژه‌ها و تعبیر اسلنگی از این هم متنوع‌تر است. در این فرهنگ سعی کرده‌ایم برای ضبط کلمات شکل نوشتاری آن‌ها را ملاک قرار دهیم (البته اگر ثبت شده باشند)، مگر ترکیبات موزون همچون *fat-cat* یا *funny-money* که همه‌جا با تیره کوتاه آمده‌اند.

برای جمع‌آوری مداخل‌ها از منابع متعددی بهره گرفته‌ایم. بسیاری از آن‌ها را

دانشجویان و اشخاص عادی فرستاده‌اند. اکثر مداخل جدید نیز مستقیماً از تلویزیون فراهم آمده و شمار اندکی نیز محصول برنامه‌های رادیویی است. برای گردآورندگان و مخاطبان این حوزه اینک اینترنت و دنیای مجازی جدیدترین منبع موجود قلمداد می‌شوند. برای اطمینان خاطر از معنای دقیق و شیوه ضبط مداخل‌های قدیمی‌تر هیچ‌گاه فرهنگ‌های معیار را از نظر دور نداشته‌ایم. بسیاری از اصطلاحات قدیمی را در بازبینی فیلم‌های قدیمی به تأیید نهایی رسانده‌ایم. مثال‌های فراوانی را از نشریات جدید، به‌ویژه مجله‌های عامه‌پسند و ضمیمه‌های آخر هفته روزنامه‌ها و مجله‌ها، برگزیده‌ایم. تعداد اندکی از شواهد مثال مستقیم از منبع اصلی نقل شده، تعدادی ساختگی‌اند و اکثر آن‌ها به‌نحوی اصلاح شده که در مقایسه با مثال اصلی از دقت و ایجاز بیش‌تری بهره‌مند باشند. در واقع هدف ما از آوردن مثال کمک به شفافیت هرچه افزون‌تر معنای کلمه بوده است و هیچ نخواسته‌ایم اثبات کنیم که فلان مداخل نخست‌بار چه زمانی در منابع مکتوب یا غیرمکتوب آمده است.

ریچرد آلن اسپرز

جستاری در چیستی اسلنگ

از زیروبم اسلنگ: رام کردن زبان سرکش

بنای مقدمه در فرهنگ مردم تا جای ممکن ابهام زدایی از چند مسئله یا نکته مهم در فرهنگ نگاری دوزبانه یا، به تعبیر دیگر، فرهنگ های ترجمه ای / دوزبانه اسلنگ است. پاره ای از واژه های هم معنا در طیف معنایی "slang" را با توجه به برابرنهادهای موجود در فرهنگ های انگلیسی- فارسی بررسی می کنیم، اجمالاً به تاریخچه فرهنگ اسلنگ و اسلنگ نگاری (یا به عبارت مسامحه آمیز "عامیانه" و مانند آن) می پردازیم، رد گونه محاوره ای یا نزدیک به محاوره را در متون برجای مانده می گیریم، ویژگی های گونه اسلنگ را از زبان زبان شناسان و فرهنگ نگاران برمی شماریم، ظرفیت زبان فارسی را در ارائه برابرنهادها عیارسنجی می کنیم و در حد وسع و حوصله کتاب ظرفیت آن را نشان می دهیم.

طرح مسئله

یکی از دلایل ترجمه و تألیف فرهنگ مردم پاسخ گویی به ضعف فرهنگ های عمومی در ارائه برابرنهادهایی است که برچسب slang, colloquial, informal و taboo دارند. مرزبندی و تمایزگذاری میان این طیف از برچسب ها گویا برای فرهنگ نگاران در زبان مقصد / گیرنده (فارسی) در اکثر موارد بی وجه یا گاه بی معنا بوده است! انگیزه دوم پیشنهاد برابرنهادهای مناسب موجود در پیکره نانوشته و نامدون زبان گونه گفتار محاوره ای در زبان فارسی و شناساندن آنها در قالب نوعی فرهنگ اسلنگ ترجمه ای و نمایش ظرفیت های بالقوه و در سایه و ناپیدای زبان فارسی در تولید و زایایی این گونه زبانی بوده است. تأکید مؤکد مؤلفان فارسی در برقراری تناسب نسبی میان گونه محاوره ای با رسم الخط شکسته انگیزه دیگری بوده است تا هماهنگی روانی- ذهنی در هنگام استفاده از این فرهنگ برای مراجعه کننده محسوس تر و هرچه نزدیک تر به زبان طبیعی باشد. با وجود تلاش های بسیار

مترجمان و نویسندگان و زبان‌پژوهان هنوز آثار تألیفی و ترجمه‌ای به یکدستی و یکپارچگی طبیعی خود نرسیده‌اند. انگیزه سوم نشان‌دادن برابرنهادهای دقیق و وافی به مقصود بوده است؛ به بیان دیگر، خواسته‌ایم این فرهنگ از آفت تعریف‌نگاری به جای برابری/ برابریابی مصون و از آسیب معادل‌های غیراسلنگ در امان باشد! (مثلاً "قرص") بنداز" در برابر downer، "تیپ روشنفکری / هنری" در برابر boheme، "آفتابه خرج‌لحیم" در برابر bottomless pit، "قوز بالا قوز" در برابر double whammy). یافتن برابرنهاد در این دست فرهنگ‌ها، روش‌شناسی، ذوق‌ورزی زبانی، روحیه جست‌وجوگر، شکپایی و عرق‌ریزی روح می‌طلبد. تلاش کرده‌ایم در حد بضاعت زبانی و علمی، اندوخته‌های تجربی در فرهنگ‌نگاری دوزبانه و بهره‌گیری از تلاش‌های مأجور فرهنگ‌نگاران سلف و خلف وطنی در حوزه کار اسلنگ، یا به تعبیری اسلنگ‌نگاری و اسلنگ‌پژوهی، به این‌گونه مسائل پاسخ بدهیم.

تاریخچه فرهنگ اسلنگ و اسلنگ‌نگاری

۱. امریکا

سنت فرهنگ‌نگاری امریکایی-انگلیسی اندکی بیش از دویست سال سابقه دارد. تقدم فضل در فرهنگ‌نگاری اسلنگ عام (General Slang) (متمایز از واژگان تخصصی-حرفه‌ای زبان دزدان و بی‌خانمان‌ها) از آن فرنسیس گروس، عتیقه‌شناس بنام بریتانیایی، است که در ۱۷۸۵ لغت‌نامه *A Classical Dictionary of the Vulgar Tongue* را جمع و تدوین کرد. لغت‌نامه گروس بعد از دو بار ویرایش مبنای لغت‌نامه دیگری به نام *Balatronicum: A Dictionary of Buckish Slang, University Wit, and Pickpocket Eloquence* قرار گرفت که در ۱۸۱۱ با بازنگری و افزایش و احتوای بر حدود ۵۰۰۰ مدخل تعریف‌شده به چاپ رسید. کتاب گروس و خلف آن اسلنگ به اصطلاح تلخکان (balatrones)، [یعنی] دلقکان و مسخرگان و اراذل یا در واقع همان هرزه‌درایان و نیز اسلنگ فکاهه‌گویان فاضل و فرهیخته و... اهل علم و دزدان را دربرداشت.

کتاب نام‌برده تا زمانی بی‌رقیب ماند که لغت‌نامه *A Dictionary of Modern Slang, Jargon, Cant and Vulgar Words* در ۱۹۵۹ به قلم جان ک. هاتن جای آن را گرفت. پس از آن، در ۱۸۸۷، پرفسور آلبر بارر *Argot and Slang: A New French and English Dictionary* را به هزینه شخصی از چاپ درآورد. دو سال بعد مطبعة بلتستان *A Dictionary of Slang, Jargon, and Cant* صفحه تحت عنوان ۹۵۶ چارلز گادفری لیلند، همکار قلمی او، نخستین امریکایی بود که در

فرهنگ‌نگاری اسلنگ عام نقش اساسی داشت. لغت‌نامه این دو فرهنگ‌نگار جامع اسلنگ انگلیسی، امریکایی و هندی-انگلیسی، انگلیسی پی‌جین، مصطلحات چینی‌بندزن‌ها و پيله‌ورها و الفاظ غریبه دیگر بود.

اولین مجلد *Slang and Its Analogues* در ۱۸۹۰ به‌سعی جان استیون فارمر و ویلیام ارنست هِنلی به‌چاپ رسید. مجلد دوم آن یک سال بعد و پنج مجلد دیگر تا ۱۹۰۴ به بازار آمدند که مجموعاً در ۲۷۳۶ صفحه تدوین یافته بودند.

در فاصله چاپ لغت‌نامه فارمر و هِنلی تا سال ۱۹۳۷ کار درخور و باکیفیتی در فرهنگ‌نگاری اسلنگ عام انجام نگرفته بود. اریک پارتریج در این سال چاپ نخست شاهکار خود را به‌نام *A Dictionary of Slang and Unconventional English* درآورد. در کتاب تجدید نظرهای متعدد کرد و ویراست‌های فراوانی از آن را شخصاً تا سال ۱۹۸۰ منتشر کرد که پس از مرگ او تا به‌امروز بارها به‌چاپ رسیده است. پارتریج فرهنگ‌نگار و اسلنگ‌نگار و پژوهشگر و مدرس و مقاله‌نویس و رمان‌نویس سرشناس بود، متها شهرت و اعتبار او کم‌وبیش به‌یمن اسلنگ‌نگاری و اسلنگ‌پژوهی‌های او بوده است.

اولین فرهنگ جامع اسلنگ امریکایی در ۱۹۶۰ زمانی وارد بازار شد که هرلد ونت‌ورث و استوارت برگ‌فلکسner لغت‌نامه خود *Dictionary of American Slang* را با حمایت بنگاه انتشاراتی تامس ی. کرل (که بعدها در دل بنگاه انتشاراتی هارپر کالینز ادغام شد) به‌چاپ رساند. پرفسور ونت‌ورث سابق بر این *American Dialect Dictionary* را تدوین کرده بود که بخش‌هایی از آن را برای بهبود همین فرهنگ اخیر اسلنگ تغییر داد. فلکسner نیز هزاران تعریف به کتاب افزود و بر آن دیباچه‌ای پُرمایه نوشت و به اسلنگ از نگاه زبان‌شناسی اجتماعی (ص. پنجاه‌ودو) پرداخت. چاپ آخر کتاب در ۱۹۸۶ تحت عنوان *A New Dictionary of American Slang* درآمد. مضافاً این‌که در ضmann لغت‌نامه درباره فرایندهای واژه‌سازی اسلنگ تحلیل درخوری نوشت.

در دهه ۱۹۹۰ — حد فاصل ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ — بنگاه انتشاراتی رندیم هاوس دو جلد نخست فرهنگ تاریخی *Historical Dictionary of American Slang* را یکی از A-G و دیگری از H-O به‌همت جانشن لایتر از چاپ درآورد. منتقدان این فرهنگ را کاری کارستان خواندند. ناشر در میانه راه مؤلف و فرهنگ — فرزند معنوی — او را رها و از ادامه نشر اثر خودداری کرد و بسیاری از خوانندگان را در بهت گذاشت.

لایتر در این دو مجلد در ارائه زبان محلی امریکایی از همه وجوه توفیق صدچندان یافت؛ در تعریف‌نگاری و استشهداها و مستندسازی‌ها و ردیابی و تاریخ‌گذاری اصل و ریشه الفاظ و تعابیر و اصطلاحات سربازها و ملوان‌ها و ماهی‌گیرها و مجرمان و نیروهای

پلیس و معدن‌چی‌ها و موسیقی‌دان‌ها و پزشک‌ها و معتادهای مواد مخدر و کابوی‌ها و دانشجوی‌ها و روزنامه‌نگارها و گروه‌های وسیع‌تری از گروه‌های شغلی-صنعتی و اجتماعی همت بلندی به کار بست، اما ناتمام ماندن فرهنگ در نیمه راه نه تنها ضایعه‌ای بزرگ برای تاریخ فرهنگ در امریکا محسوب می‌شد بلکه آسیب اساسی به فرهنگ‌نگاری - به خصوص اسلنگ‌نگاری - وارد آورد. خوشبختانه، دانشگاه آکسفورد قبول تعهد کرد و انتشار دو مجلد باقی‌مانده این اثر سترگ را وجهه همت خود ساخت و فرهنگ را در ۲۰۰۶ به طبع رساند.

از عجایب کار این بود که لایتر ۳۰ سال از عمر خود را بر سر تألیف فرهنگ گذاشت و یک‌تنه کار را پیش برد. وی در دانشگاه آکسفورد از دو دستیار بهره گرفت؛ نفر سوم که به یاری او شتافت جس شایدلوتر، ویراستار رتدیم هاوس، بود که به آکسفورد نقل مکان کرد تا در کنار مؤلف به ادامه کار مشغول شود. جالب است بدانیم دکتر سمیوئل جانسن در ۱۷۵۵ برای تدوین لغت‌نامه خود شش دستیار داشت!

شاید کار لایتر از کار جانسن و دست‌اندرکاران و ویراستاران OED از این حیث آسان‌تر بوده باشد که اسلنگ صرفاً گوشه‌ای یا زیرمجموعه‌ای از کل واژگان زبان انگلیسی را دربرمی‌گیرد، منتها از جهتی دیگر امری خطر و دشوار بوده، چون اسلنگ به مراتب لغزنده‌تر و ناپایدارتر و شناورتر از زبان یا گونه به اصطلاح معیار است. اهمیت کار لایتر در این است که نگاه فرهنگ‌نگاران و علی‌الخصوص اسلنگ‌نگاران را به کار دگرگون کرد و سطح اسلنگ‌پژوهی را به افقی سر تا پا نوتر ارتقا بخشید که به قطع و یقین در تدوین و تألیف فرهنگ‌های آینده مؤثر خواهد بود.

پال دیکسن فرهنگ موضوعی خود، Slang، را در ۱۹۹۰ به چاپ رساند. البته این نوع فرهنگ اسلنگ مسبوق به سابقه بود: موريس وسين در ۱۹۳۴ فرهنگ موضوعی Dictionary of American Slang را چاپ کرده بود که در زمان خود کار درخشانی بود، منتها امروزه روز فقط از جنبه تاریخی حائز اهمیت است. کتاب بعد از جنگ جهانی دوم نایاب گشت و دیگر چاپ نشد. دیکسن این کتاب را پیش چشم داشت و بعد از پنجاه سال از آخرین چاپ آن اسلنگ خود را روانه بازار کرد. کتاب ۲۸ موضوع مختلف را دربرمی‌گیرد که برخی از آن‌ها عبارتند از: تبلیغات و روابط عمومی، خودرو، هوانوردی و فضا، زبان اداری، بازرگانی و مالی، جرم و مجازات و قانون، قاچاق مواد مخدر، دریانوردی و جنگ. در هر بخش موضوعی، کادریهای توضیحی مناسب با شأن نزول بعضی اصطلاحات یا تعابیر ذکر شده که به خواننده بومی در درک تاریخی-فرهنگی کمک بسیار می‌کنند. در انتها کتاب‌نامه اسلنگ و نمایه اسلنگ‌واژه‌ها آمده است.

از آخرین فرهنگ‌های اسلنگ که در قرن بیست و یکم تدوین و تألیف شده است کار نظرگیر تام دُزل را می‌توان نام برد:

The Routledge Dictionary of Modern American Slang and Unconventional English.

بنای کتاب بر شاهکار اریک پارتریج، اسلنگ‌نگار پُرآوازه بریتانیایی-نیوزیلندی است، ولی پیش از این طرح عظیم، دُزل به همراه اسلنگ‌نگار همکار خود، تری ویکتر، ویراست کاملاً تازه‌ای از شاهکار او را با سرمایه‌گروه انتشاراتی راتلیج در ۲۰۰۵ با ویرایش و بازنگری و تاریخ‌گذاری جدید به چاپ می‌رساند و در آغاز عنوان اصلی کتاب پارتریج لفظ *New* را اضافه می‌کند.

وانگهی، *Modern American Slang* مشتمل بر اسلنگ‌واژه‌های امریکایی است که در کتاب قبلی محذوف بودند. کار دُزل استخراج تمام مدخل‌های امریکایی فرهنگ اسلنگ پارتریج و نیز تکیه بر منابع و مآخذ معتبر و مطالعه و بررسی دقیق و گسترده ادبیات عامه‌پسند، ادبیات داستانی، ادبیات غیرداستانی، فیلم‌نامه، روزنامه (خصوصاً روزنامه‌ها و نشریات زیرزمینی)، مجلات و ترانه‌های عامه‌پسند برای تدوین و تعیین سرمدخل‌ها و شاهد مثال‌ها بود. مدخل‌ها واجد سه معیارند: ۱. اسلنگ و انگلیسی نامتعارف ۲. تداول در آمریکا و ۳. دامنه کار بعد از ۱۹۴۵.

۲. ایران

فرهنگ‌نویسی در ایران سابقه دیرینه دارد که به دوران پیش از اسلام می‌رسد. دو فرهنگ اوئیم و فرهنگ پهلویگ از عصر ساسانیان به جا مانده که در حوزه فرهنگ‌نگاری عمومی است نه اسلنگ‌نگاری. در دوران پس از اسلام این سنت به موازات رشد و تحول زبان فارسی عمق و گسترش یافت و فرهنگ‌های متعدد و متنوعی به طبع رسیدند. کهن‌ترین این فرهنگ‌ها از آن ابوعیسی الجوارح است که در اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم می‌زیسته است. پس از آن در سیر قرون متمادی، فرهنگ‌های عمومی بسیاری همچون فرهنگ *قُطران* و *لغت فُرس/اسدی* (هر دو ق ۵) تدوین گشته ولی هیچ‌یک از آن‌ها مستقلاً به ضبط و ثبت زبان عوام نپرداخته‌اند. مهرداد نغزگوی کهن، زبان‌شناس و پژوهشگر، می‌گوید، «علیرغم سنت کهن فرهنگ‌نویسی در ایران، جمع‌آوری لغات گفتاری و عامیانه و ثبت آن‌ها در فرهنگ‌ها امری متأخر است. درواقع با ورود به قرن بیستم و انقلاب مشروطه بود که توجه بعضی از نویسندگان به‌طور جدی به‌سوی کاربرد زبان گفتار در نوشتار جلب شد و آنان جرأت یافتند به زبان مردم کوچه‌وبازار بنویسند» (۱۳۸۶: ۱۶۷). در قول بالا نکته‌ای مهم نهفته و آن ردیابی گونه زبان گفتار در نوشتار است صرف نظر از بحث اسلنگ‌نگاری یا فرهنگ‌نویسی عامیانه. عامیانه‌نویسی از قرن‌ها پیش در زبان

فارسی در مديوم يا بستر نوشتار بازتاب يافته بوده است. بازتاب آن در واقع گويای اهميت گفتار، نفوذ و قدرت آن و تأثيرگذاري اش بر نوشتار است. در اين جا منظور گفتار مرکب از همه لوازم و ملزومات آن — يعنی گونه محاوره‌ای، گونه عامیانه و اسلنگ با شمول معنای تعريف شده در مقدمه و ذی‌المقدمه — است. در اين مختصر به اجمال تمام به ردیابی زبان يا گونه گفتار می‌پردازیم. ثبت و ضبط اين گونه را ناچار در آثار مکتوب يا به عبارتی نوشتار — موزه نگهداری و بررسی و مشاهده اين "پدیده صوتی شیء شده" — دنبال می‌کنیم. مضافاً، همه آثار مکتوب برای چنین کاری خاصیت "موزگی" ندارند.

زبان‌شناسان سراسر گیتی در اهميت گفتار بر نوشتار بسیار گفته و با استدلال و حتی ارائه شواهد، محصل دیدگاه‌شان را در کتاب‌های زبان‌شناسی نقل کرده‌اند که چند نمونه از آن‌ها را در آثار ترجمه شده يا تألیفی نقل می‌کنیم: اریک دو گرویه در منشأ زبان، رابرت هال در زبان و زبان‌شناسی، پ. ه. متیوز در زبان‌شناسی، جیمز لودو ویسی در منشأ زبان، ابراهیم السامرای در زبان‌شناسی تطبیقی، ترادگیل در زبان‌شناسی اجتماعی، محمدرضا باطنی در چهار گفتار درباره زبان و زبان و تفکر، مهری باقری در مقدمات زبان‌شناسی، غلامرضا دین محمدی در مبانی زبان‌شناسی در جهان اسلام، احمد سمیعی گیلانی در آشنایی با زبان‌شناسی و داریوش آشوری در زبان باز. از ایرانیان پیشگام و پیش‌کسوت که در این باره سند مکتوب از خود برجای گذاشته ناصر خسرو قبادیانی است: زاد المسافر (۴۵۳ ق.). سند زنده این مدعاست. کتاب «از معروف‌ترین آثار کلامی-فلسفی... و [نیز] در زمره متون مشهور کهن فارسی است» (اسماعیل عمادی حائری ۱۳۸۴: دوازده). ناصر خسرو کتاب را در ۲۷ قول به انضمام یک دیباچه و یک مقدمه تنظیم و تبویب کرده که «قول نخستین (اندر قول که آن در علم حاضران است)» (زاد المسافر، مقدمه ۱۳۸۴: ۵) موضوع بحث ماست. صاحب زاد المسافر از نگاه زبان‌شناس به مبحث قول / گفتار به تلویح می‌پردازد و هدف از آن را انتقال معنی / پیام به شنونده می‌داند و دلایل خود را در ارجحیت آن بیان می‌کند. حال چکیده نظرش از زبان و قلم خود او: «... و نفس دانا مر علم [پیام] به نفس دیگر نفوس یا به قول تواند رسانیدن یا به کتابت و نفس آموزنده [گیرنده پیام] مر علم را از دانایان با به حاست شنوایی تواند یافتن چو بگوید یا به حاست بینایی چو نویسد. و گفتار شریف‌تر و لطیف‌تر از نبشته، از بهر آنکه گفتار از دانا مر حاضران را باشد و نبشته مر غایبان را و حاضران از غایبان اولی‌تر باشند به یافتن علم و میانجی به میان خداوند علم و میان حاضران قول است... و نیز حاضران اندر آنچه از قول بر ایشان پوشیده شود، به گوینده باز توانند گشتن و گوینده به عبارتی دیگر مر آن معنی را که قول بر آن باشد بدیشان تواند رسانیدن... پس پیدا شد که قول بر کتابت مقدم است و به مثل

قول روحانی است و کتابت جسمانی. و نیز گوییم که قول مر کتابت را به منزلت روح است مر جسد را...» (همان: صص. ۷-۸).

شاید بتوان گفت شعر مهم‌ترین بستر حفظ و انتقال گونه گفتار بوده است. رایج‌ترین قالب شعری حامل گونه گفتار نیز رباعی است که رد آن را تا قرن چهارم می‌توان پی گرفت. *نزهة المجالس* — «سرشار از نوادر و نفائس سروده‌های کهن فارسی و جامع ارزنده‌ترین گنجینه ترانه‌های ایرانی» (۱۳۷۵: ۱۱) — تألیف جمال خلیل شروانی به تصحیح محمدامین ریاحی است: «مؤلف زبده رباعی‌هایی را که مردم زمانه او در شهر او آزان — به‌گوش فهلوی شمالی — می‌خواندند و می‌شنیدند و می‌پسندیدند گرد آورده است. در لابه‌لای اشعار در سرگرمی‌های مردم ساده آن روزگار از نرد و شطرنج و کبوتربازی و خیال‌بازی می‌بینیم و اصطلاح‌های آنها را می‌شنویم و با حرفه‌های گوناگون آن عصر آشنا می‌شویم» (همان: ۲۱). نویسنده در ادامه می‌افزاید، «رباعی مردمی‌ترین و همگانی‌ترین شعر در ایران، پاکیزه و ناب و سخن دل و به زبان دل و به دور از تکلف و فضل‌فروشی و جلوه‌نمایی و عالم‌نمایی بوده و دیرسال‌ترین آنها شعر محلی و روستایی خاص روستایان و چادرنشینان و پیشه‌وران و به طور کلی افراد سالخورده درس‌نخوانده بود. این نوع شعر ریشه در ایران پیش از اسلام دارد و قرن‌ها سینه به سینه نقل می‌شده و نمونه‌هایی از آن در متن‌های فارسی و عربی و در جنگ‌ها و مجموعه‌ها به نام کلی «فهلویات» و گاهی در نسبت به نواحی مختلف به نام‌های «تیریزیات» و «جیلانیات» بازمانده است. این را می‌توان تا حدودی نزدیک به گونه محاوره دانست» (همان: ۴۱).

گونه دوم، «ادبیات فارسی و مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن، ادبیات همگان است: ادبیات طبقه متوسط مردم شهرنشین، به زبان طبیعی افراد درس‌خوانده، زبان نامه‌نویسی عادی مردم، زبان داستان‌سرایی و قصه‌گویی در شب‌های دراز زمستان در مجامع شهری و بالاخره سخن گویندگانی است که شعر خود را برای بیان دردهای خود و مردم به زبان رایج مردم در بیشتر شهرهای ایران می‌سرودند» (همان: ۴۲). در شعر، باز کسانی «مثل سعدی غزل‌های خود را برای مردم و به زبان مردم می‌ساختند. عبید هم لطایف خود را برای مردم و برای بیان دردها و شیکوه‌ها و عقده‌های مردم می‌نوشت» (همان: ۴۵).

م.ا. ریاحی معتقد است که کاربرد تعبیرات زبان عامه در شعر از رباعی شروع شده و از راه غزل دوره صفوی رواج یافته و بعد از مشروطیت تازه ارزش آن درک شده است. حال، بد نیست چند نمونه از این الفاظ و تعابیر و اصطلاحات زبان زنده مردم آن روزگار را در زیر بیاوریم:

الف) عام

۱. از سر دست = سردستی و سرسری ۲. به در دادن = حرفی گفتن و رازی را فاش کردن
 ۳. بگیر، دزد! ۴. به شادی کسی خوردن = بسلامتی او خوردن ۵. بی سروپا ۶. بیش (= بهش
 = به او) ۷. شکسته بسته ۸. قدم رنجه کردن ۹. رهره (= راه به راه) (نوعی قید که تصور
 می شود یادگار زبان محاوره آن روزگار باشد) دوان دوان یا پُرسان پُرسان و گونه های متعدد
 محاوره ای آن دوران.

ب) خاص (مثل اصطلاحات صنوف)

۱. قایم ریختن (شطرنج) (= عاجز شدن در برابر حریف و بازی را بردن)
 (شاهد مثال ← گفت به مهر: با رخش قایم ریز/ کاین دست تو، پای او به بازی ببرد)
۲. مضراب: کیسه توری با دسته نیی برای صید مرغ و ماهی (شکار)
 (شاهد مثال ← مضراب ز زلف و نی ز قامت داری/ در شهر تو را رسد کبوتربازی)
۳. یاسج: تیر پیکان دار چند پره (نظامی)
 (شاهد مثال ← وان تیر که بر دل بدخواه تو مرگ/ یاسج گردد اگر چه سگزن باشد).

از دیگر منابعی که می توان ردّ گفتار را در آن جست آثار صوفیه است. سیروس شمیسا
 در سیر رباعی مفصل به موشکافی موضوع پرداخته است. می نویسد، «صوفیه از مردم و با
 مردم بودند و به قولی یک جریان مبارزه با حکومت بر عهده آنان بود و از این رو هیچ گاه با
 ادبیات رسمی درباری یعنی قصیده پردازی صیرف و مداحی کاری نداشتند و بیشتر به غزل
 و رباعی متمایل بودند. مخاطبان آنان مردم کوچه و بازار بودند که مخصوصاً به مجالس
 صوفیان در خانقاه آمد و شد داشتند. در آغاز صوفیان به زبان همین مردم یعنی زبان مکالمه
 روزمره می گفتند و می نوشتند و گاهی حتی از نوشتن اِبا داشتند اما مریدان گفتار ایشان را
 با همان لهجه مردم (= گونه گفتاری و محاوره ای) می نوشتند و از این گونه تصانیف که
 «امالی» خوانده می شود، امالی خواجه عبدالله انصاری معروف است» (۱۳۸۷: ۴۵-۴۶).

در ادامه موضوع رباعی، بحث «فهلوی» را پیش می کشد. به باور او، «فهلوی (در معنای
 ترانه یا دوبیتی امروزی) از نظر شکل شعری شبیه ترین نوع به رباعی است. فهلوی معرّب
 فهلوی است... فهلویات (دوبیتی ها) معمولاً توسط مردم عادی گمنام سروده شده اند. از
 معروف ترین کسان فهلوی گو باباطاهر عریان همدانی است» (همان: ۲۷۶). در اهمیت
 فهلویات به این نکات اشاره می کند: «دوبیتی ها را غالباً خود مردم (نه شاعران رسمی) از
 روی نیاز روحی سروده و در آن آمال خود و زندگی و محیط خود و به طور کلی خویشتن

خویش را با زبان مردم بیان کرده‌اند و این از نظر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی حائز کمال اهمیت است. از نظر زبان‌شناسی نیز مطالعه در لهجه‌ها و تطور آنها و پیوند آنها بر مبنای فہلویات بسیار پرثمر خواهد بود. در ترانه‌ها از لغات عربی و فرنگی کمتر نشانی است و اساس آنها همان زبان سادهٔ محاوره است» (همان: ۳۰۳).

هدایت در نوشته‌های پراکنده در مقاله‌ای تحت عنوان 'ترانه‌های عامیانه' (۱۳۱۸) نظر خود را دربارهٔ اشتمال ترانه‌ها بر الفاظ و تعبیر و اصطلاحات عامیانه (و به تعبیری اسلنگ) بیان می‌کند: «ترانه‌های عامیانه... وظیفهٔ دوگانهٔ شعر و موسیقی را انجام می‌دهد. این ترانه‌ها و آوازا و متل‌ها... نمایندهٔ روح ملت می‌باشند و از طبقات مردمان گمنام بی‌سواد گرفته می‌شود» (۱۳۴۴: ۳۴۹).

در همان کتاب در مقالهٔ 'فلکلر یا فرهنگ توده' (۱۳۲۳ / ۱۳۲۴) می‌گوید، «امروزه فلکلر توسعهٔ شگفت‌آوری به هم رسانیده و از صرف ادبیات توده (قصه و افسانه و آواز و ترانه و مثل و معما و متلک و...) در گذشته و تمام سخن افواهی را دربرمی‌گیرد یعنی آنچه مردم در زندگی خارج از مدرسه فرامی‌گیرند؛ پیشه‌ها و فنون توده، اعتقادات و باورها و خرافه‌ها و... آشنایی با رموز زبان هم در این شاخه از علوم اجتماعی حاصل می‌شود» (همان: ۴۴۸-۴۴۹). در ادامهٔ مقاله و در بخشی زیر عنوان 'طرح کلی برای کاوش فلکلر یک منطقه' و ذیل 'II زندگی معنوی الف) زبان: لهجه‌ها و زبان‌های بومی' آورده است: «مطالعهٔ زبان عادی محل، اسماء ذات و معنی، اسم اشیاء، افکار فلسفی، جادوگری و مذهبی، مختصات زبان، اصطلاحات، مثل‌ها، تشبیهات و استعارات، زبان‌های فنی، زبان‌های ساختگی (زرگری و مرغی)، زبان داش‌ها، زبان مذهبی و زبان عوام. لغات ممنوع [=تابوها] که نباید به میان آورد؛ لغات حفظ‌کننده و فرمول‌ها [=زبانزدها] بی‌کی که در موقع دعا یا وردخواندن یا جادوگری به کار می‌رود و... قسم‌ها، دشنام، تعارفات و القاب (پیر شی؛ خدا قوت؛ خرگردن؛ خاله‌کوکومه)» (همان: ۴۵۹).

و سر آخر در 'پروندهٔ مجرمانهٔ فلکلر' به گردآوری و تجزیه و تحلیل نکات زیر می‌پردازد: «ترانه‌ها، متلک‌ها، قصه‌ها و مثل‌های هرزه، فحش‌ها و نفرین‌ها، رابطهٔ بین عاشق و معشوق، رابطهٔ زناشویی، رندی و قلندری، فاحشه‌خانه‌ها [در روزگار نویسندهٔ مقاله]، زندگی شهوانی، بیماری‌های مقاربتی و طرز درمان آنها» (همان: ۴۶۹).

ناتل خانلری در زبان‌شناسی و زبان فارسی به بحث در اصل و منشأ زبان فارسی پرداخته است. در مطاوی سخن، زبان‌های ایرانی معمول را در دورهٔ ساسانی به پنج زبان تقسیم می‌کند: فہلوی و دری و فارسی و خوزی و سریانی و دربارهٔ فہلوی بر این عقیده است که زبان معمول و رایج در مجالس شاهان بوده است و "فہلویات" نیز به شعرهای

محلی که به زبانی جز زبان ادبی رسمی ایران سروده می‌شده اطلاق گردیده است که اکثراً این‌گونه شعرها در قالب دوبیتی است. دیدیم که دوبیتی نیز میزبان گونه گفتار است و الفاظ و تعبیر و اصطلاحات عموم مردم را می‌توان از لابه‌لای آن پیدا کرد.

خانلری در فصل 'لفظ عامه و لفظ قلم' در همان کتاب از دو شیوه نگارش دو طایفه از ادیبان نام می‌برد که طایفه دوم «بی‌پروا، آزادی مطلق الفاظ را اعلان کرده‌اند و هر صورتی را که برای حکایت از مفهومی در محاوره روزانه طبقات مختلف به کار می‌رود قابل ثبت در دفتر می‌شمارند و به هیچ گونه قید و شرطی قائل نیستند» (۱۳۶۶: ۱۹۳). می‌گوید که در دوره نخست تاریخ ادبیات، نویسندگان و شاعران آثار خود را به همان زبان محاوره به وجود می‌آورند، یعنی لغات و اصطلاحات عامه بر اثر ثبت و ضبط و دقتی که شاعر و نویسنده در ادراک دقایق معانی و استعمال الفاظ دارد به کار می‌رود. در غرب هم احتیاج به لغات و اصطلاحات و تعبیرات عامه وقتی احساس شد که نویسندگان به توصیف و بیان حالات روحی و وضع زندگانی طبقات مختلف اجتماع، خاصه طبقات پایین‌تر پرداختند. (بازتاب آن را در آثار ناتورالیستی و رئالیستی می‌توان دید.) مویاسان در مقدمه کتاب پی‌یر و ژان به ادیبان جواب‌های دندان‌شکن داده است: «راهی که ادیبان محافظه‌کار از آن می‌روند به جمود زبان و فقر آن منتهی می‌شود. زبان را وسعت باید داد و یکی از وسایل این کار یاری خواستن از الفاظ و اصطلاحات تازه‌ای است که عامه مردم بر حسب احتیاج خود به کار می‌برند...» (همان: ۱۹۶).

آذرتاش آذرنوش در کتاب در چالش میان فارسی و عربی به بحث زبان گفتار و کتابت [= نوشتار] می‌پردازد. آذرنوش در لابه‌لای متون عربی قرن سوم هجری به بعد در پی یافتن فارسی و یکی از لهجه‌های فارسی است. جمله‌های معدودی که او می‌یابد و به شاهان ساسانی منسوبند، «گویی برای مخاطبان آن کتاب‌ها ناآشنا و غیرقابل فهم نبوده‌اند. برای سده‌های یکم تا چهارم ق. حدود ۲۰ جمله فارسی می‌یابد که همگی فارسی دری‌اند» (۱۳۸۷: ۱۲۹). مثلاً جمله «کور خمیر آمد خاتون دروغ گنده» شعری است که مردم بخارا برای خاتون ملکه بخارا، و عشق سعیدبن عثمان، فرمانده عرب، به او می‌خواندند (ح ۵۶ ق.). این جمله با اصلاح احمدعلی رجایی (به نقل از کتاب پلی میان شعر هجایی...) بدین صورت درمی‌آید: «گو [ور] خمیر آمد خاتون دروغ گنده» که یعنی «بگو خمیر و رآمد». بنابراین، زبان فارسی دری در قرن‌های اول و دوم اعتبار نوشتاری نیز پیدا کرده و فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته بود که زبان عامیانه گفتاری برای ارتقا به درجه نگارش با همان زیربوم‌ها روبه‌روست.

از دیگر جریان‌های اجتماعی که در نشر تعبیر و الفاظ و مصطلحات و زبان ویژه خود

در میان توده مردم کوشش فراوان داشتند جنبش قلندریه — جنبشی چندساخته — است. محمدرضا شفیعی کدکنی در قلندریه در تاریخ (دگردیسی‌های یک ایدئولوژی) دست به بحثی عالمانه و محققانه می‌برد که ضمن آن به موضوع مورد اشاره نیز می‌پردازد: پژوهش در زبان این جماعت یا طبقه از اجتماع. «کلمه "قلندر" نخستین جا که به کار رفته ظاهراً یک رباعی عامیانه قرن چهارم است که ابوسعید آن را می‌خوانده است:

من دانگی و نیم داشتم حبه کم دو کوزه نبی خریده‌ام پاره کم
بر بریط من نه زیر مانده‌ست و نه بم تا کی کوی قلندری و غم غم

این شعر از نوع رسمی و "ادبی" نیست و از مقوله فلکلور عصر بوده است و بعدها در جزء حراره‌های عامیانه و ترانه‌های مردم‌پسند شده باشد. این ترانه یا حراره از نوع بسیار نازل و متداول در میان رنود و اوباش بوده است» (۱۳۸۶: ۳۸-۳۹).

وی در ادامه می‌افزاید، «علی‌ای‌حال، تمام شواهد موجود [در ادب فارسی] نشان می‌دهد که قلندر مکانی بوده است که در آن اهل "خرابات، رندان، قلاشان، مُقامران، اوباش و رنود" جمع بوده‌اند... در آغاز قرن هفتم اگر شعرهای شاعری مانند عطار را ملاک بگیریم "رند" در کاربرد ملامتی‌اش با صبغه‌ای از روحانیت و معنویت همراه است، اگر نثر بهاء ولد را معیار بگیریم می‌بینیم که این کلمه را پست‌ترین حوزه مفهومی آن در ردیف دزد و چاقوکش و امثال ایشان که جای آنان در زندان است تلقی می‌کنند. مشکل کسانی که بخواهند فرهنگ تاریخی زبان فارسی را در مورد این گونه کلمات تنظیم کنند، دوچندان خواهد بود یعنی مشاهده خواهند کرد که در یک دوره معین و در یک جغرافیای خاص کلمه "رند" در دو مفهوم متفاوت به کار رفته است. در اینجا باید به طبقه‌بندی متن‌ها، نه از دید تاریخی و جغرافیایی بلکه از منظر کاربرد و مؤلف پرداخت» (همان: ۴۴ و ۴۷-۴۸).

در این‌جا نکته مهمی که به میان می‌آید مبحث اسلنگ است و همچنین ابواب جمعی آن یعنی آرگو و گنت که به تعبیری زبان خلاف‌کاران و هنجارگریزان و قانون‌شکنان است. بحث زبانی و اسلنگ‌پژوهانه در قلندریه تا حدی می‌تواند ریشه‌ها و پیشینه گونه اسلنگ را بر ما روشن کند. کدکنی به مثنی از خروار در حوزه الفاظ و تعابیر و اصطلاحات و در کل زبان خاص قلندریه اشاره کرده است و می‌نویسد قلندریه در آثار خود «مجموعه‌ای از آداب و رسوم فردی و اجتماعی را در کار و زندگی خود ارائه کرده‌اند. سیمای قلندر واقعی یعنی قلندر تاریخی در مجموع، چهره‌ای منفی و منفور است. در یکی از رساله‌های قلندری/ گدایی قرن یازدهم، مؤلف در رمزگشایی عناصر گدایی/ قلندری ید طولایی دارد و در آن به تشریح و توصیف آداب و ابزار و ادوات و مصطلحات سلسله خود می‌پردازد» (همان: ۸۱ و ۸۲).

شفیعی کدکنی در ادامه این مبحث اضافه می‌کند، «قلندریه مردم رند و اوباش را پیرو خود ساخته‌اند؛ خمر و سبزه به کار می‌برند، سخن‌های کلّیتره (= نامربوط و آشفته) می‌گویند که زبان ویژه قلندریان است. عیید زاکانی در چند غزل از خود به‌عنوان «قلندر» یاد کرده و در آن‌ها مجموعه‌ای از اصطلاحات مربوط به قلندریه هست و خصوصاً در «رساله تعریفات» فصلی ویژه بنگ و لوازم آن پرداخته و در آنجا جوالق و گلیم و لباس اهل لنگر را معرفی می‌کند که با اسناد تاریخی مربوط به قلندریه کاملاً انطباق دارد» (همان: ۹۹).

باز می‌توان بازتاب این جریان را در برخی کتاب‌هایی نظیر کلیات بُسحق اطعمه شیرازی و البسه نظام قاری شیرازی و دیوان اسراری یحیی سبیک نیشابوری دید. در دانشنامه ایرانیکا نقل است که، «بُسحق نخستین بار لغات و اصطلاحات و تعبیرات آشپزی را در نظم به کار گرفت» (هاشم مؤید، ایرانیکا، vol. IV). همین نکته موجب شهرت و اقبال کتاب می‌شود و به‌گفته منصور رستگار فسایی، «... به نظر می‌رسد که پیشگامی او در شعر اطعمه شهرت فراوانی را برای او ایجاد کرده باشد، زیرا تا زمان وی این موضوع یعنی وصف نعمت‌های درجه اول حیات از قبیل غذا، در نظم و نثر مورد توجه قرار نگرفته بود و نوآوری او... شعر وی را محبوب خاص و عام ساخته است» (۱۳۹۲: صص. یک صد و بیست و دو و - سه). عبدالغنی میرزایف نیز معتقد است، «آثار بُسحق تا درجه‌ای مورد محبوبیت مردم قرار گرفته بود که روز و شب در قلندرخانه‌ها یعنی غریب‌خانه‌ها و در محل اقامتی مسافران اشعار او را می‌خوانده‌اند و از بر می‌کرده‌اند...» (همان: ص. یک صد و بیست و سه). دیوان اسراری در وصف حشیش و مواد وابسته به آن در عرصه مُکئیّات و مواد نشأت‌زا و آسراریات است. در پایان این مبحث به برخی از مفاهیم و اصطلاحات و آداب و رسوم قلندریه که در واژه‌نامه قلندریه در تاریخ آمده است اشاره گذرا می‌کنیم:

استره‌کاری؛ الف اول و دوم و سوم و چهارم (= طرز تراش سر و حرکت تیغ روی موهای سر به شکل الف)؛ انبانچه (= ظرفی برای حشیش و...)؛ انگشت‌کاری کردن (= تفحص)؛ برج اول (= نخستین مصرف حشیش روز)؛ برسرخ‌زدن؛ پرداخته و خلاصه (= صفت حشیش)؛ پرسه‌زدن (از رسوم قلندران)؛ پلاس (= جوالق و لباس خاص قلندریه)؛ تنوره (= از علائم و لوازم قلندریان)؛ چشان اسرار (= به‌کاربرنده حشیش)؛ خضر (= کنایه از حشیش)؛ زغل و دغل (= دشنام)؛ کفتر دم (= بوسه)؛ شنگول زمان؛ ماجرا کردن (= نزاع در داخل لنگر)؛ نامرد (= دشنام)؛ یوف (= زبان ویژه قلندریه).

نمونه‌های دیگر ضبط گونه گفتار در ادب فارسی مکتوبات مولاناست. توفیق سبحانی،

مصحح کتاب، در مقدمه محققانه خود چنین می‌آورد: «سبک بیان در مکتوبات عیناً شیوه بیان در فیه‌ما فیه است. صرف نظر از صدر نامه‌ها، زبان کاملاً زبان مخاطب رایج بین مردم است... (مقدمه ۱۳۸۹: ۱۳). مولانا در مکتوبات خود نیز آزاده است. مخاطب خود را به تقلید از شیوه زمان خویش، با پناه‌جستن به قواعد منجمد ترسل مورد خطاب قرار نمی‌دهد. آنچنان که از دلش برمی‌خیزد به همان شیوه با مخاطب سخن می‌گوید. در مکتوبات حتی در عنوان‌ها نیز از عرف زمان پیروی نمی‌کند. مولانا در نامه‌ها به زبان گفتار شعر می‌گوید و به زبان شعر نثر می‌نویسد... زبان ادبی مکتوبات زیباست و به تمام معنی زبانی است که در میان طبقات روشنفکر آناتولی رایج بود [یعنی زبان معیار آن دوره] (به نقل از مقدمه مرحوم فریدون نافذ اوزلوق)» (همان: ۲۶).

مولوی در مجالس سبعة هم همان اسلوب را در پیش می‌گیرد. به گفته سبحانی، «روی سخن با عامه مردم است و زبانی ساده دارد» (پیش‌گفتار ۱۳۷۲: ۱۲).

حافظ شیرین‌سخن هم از گرش زبان عامیانه در امان نمانده یا نخواسته است در امان بماند! محمدعلی آتش‌سودا، مطابق پژوهش به نسبت مفصلی، عناصر عامیانه را در غزلیات حافظ شناسایی و طبقه‌بندی کرده [مانند طبقه واژه / صوت / عدد / ترکیب / نام‌آوا / اتباع / شکسته‌نویسی خصوصاً در لهجه شیرازی] نمونه‌هایی از هر طبقه به دست می‌دهد و می‌نویسد: «[عناصر عامیانه] چندان صریح و آشکار به کار نمی‌روند... و از مقولات زبانی و بلاغی در سطوح متعدّدند» (۱۳۸۵: ۱۱۲). حال نمونه‌هایی از آن‌ها را در زیر نقل می‌کنیم: تیز؛ می‌هی؛ مُشتی؛ ناکس؛ کار و بار؛ جنس خانگی؛ غلط کردن؛ دیوار کوتاه؛ درد سر؛ زبان‌دراز؛ هرجایی؛ بوی خیر نشنیدن؛ تخفیف زحمت کردن؛ دل کسی کباب‌شدن؛ بیار (به جای بیاور)؛ دواش (به جای دوایش).

آخرین کتابی که نمونه بارز نفوذ و وجود زبان گفتار در قرن‌های ششم و هفتم است سَمک عیار الارجانی، به تصحیح و کوشش پرویز ناتل خانلری، نام دارد. ناتل خانلری می‌نویسد، «[کتاب] یکی از داستان‌های عامیانه فارسی است. اهمیت کتاب از جهت عبارات و لغات و اصطلاحات که گنجینه‌ای گرانهاست و مفصل‌ترین و بزرگترین متنی است که از قرن‌های ششم و هفتم در دست مانده است. ارزش کتاب شاید از این جهت بیشتر باشد که انشای آن ادیبانه نیست و زبان معمول و رایج زبان را بهتر از نوشته‌های مصنوع و متکلف و منشیانه نشان می‌دهد» (مقدمه ۱۳۶۹: هفده). وی می‌افزاید، «سَمک عیار بازگوکننده و نشان‌دهنده اوضاع اجتماعی در نخستین مرحله از کار عیاران یا جوانمردان این دو قرن است. نویسنده به دقت و کنجکاوی به توصیف امور اجتماعی دیگر نظیر ساختمان‌ها،

خانه‌ها، کوچه و برزن، بازار، سرای، وضع شهر، جامه و زینت زنان، لباس طبقات مختلف مردان و وضع آرایش آنان، سلاح جنگیان و آداب پیکار و... می‌پردازد» (همان: هجده). آنچه گذشت مرور کوتاهی بود بر حضور پیدا و ناپیدای گونه گفتار در آثار و متون مکتوب برجای‌مانده در موارث فرهنگی زبان فارسی. با تمهید این مقدمه فشرده تاریخیچه اسلنگ‌نگاری یا فرهنگ‌نگاری اسلنگ در ایران را در سیر تاریخی و با نگاهی به کلیات آن به‌دست می‌دهیم.

۱. تعریفات یا رساله ده فصل

عبید زاکانی (؟- ۷۷۱ / ۷۷۲ هـ.)

محمدجعفر محجوب در مقدمه کلیات عبید زاکانی درباره رساله ده فصل می‌نویسد، «رساله‌ای مختصر با مقدمه‌ای در شش سطر به روش فرهنگ‌نویسی که هیچ یک از فصول آن به یک صفحه نمی‌رسد. در واقع، رساله از حیث صورت به واژه‌نامه‌ها شباهت می‌برد ولی از جهت محتوا به کتاب‌های تعلیمی و حکمی که همین مورد اخیر پیش چشم عبید بوده است» (۱۹۹۹: LIV-LV).

به‌گفته علی‌اصغر حلبی، «در این رساله کوچک عبید واژه‌های مصطلح میان مردم را دسته‌بندی کرده و برای هریک از آنها تعریف‌هایی از خود نوشته که... هریک به اندازه یک مقاله بزرگ مؤثر و نافذ است. تعریف‌ها را مطابق با دل و ذهن مردمان آگاه عصر خود معنی کرده بیان می‌نماید و در این راه از افزار همیشگی خود طنز و ریشخند و استهزای تند سود می‌جوید» (۱۳۶۵: ۹۲-۹۳).

محمد دبیرسیاقی نیز در فرهنگ‌های فارسی خود تعریفات را ذیل فرهنگ‌گونه‌ها و لغت‌نامه‌های نو و ابتکاری طبقه‌بندی کرده است. از باب مثال:

الفصل الاول = الفکر: آنچه مردم را بی‌فایده بیمار دارد؛ الدانشمند: آن که عقل معاش ندارد؛

الفصل الثالث = الرشوه: کارساز بیچارگان.

۲. فرهنگ واژه‌های عامیانه (در دوره قاجار) (۱۲۶۸)

رضا حکیم خراسانی (؟-؟)

رساله حاضر تقریباً جزو نخستین آثار مدونی است که در حوزه واژه‌های عامیانه یا، دقیق‌تر، تعبیرهای عموماً کنایی، طنزآمیز و عامیانه تألیف شده است. مؤلف این واژه‌نامه را در سال ۱۳۰۷ ق. / ۱۲۶۸ ش. در واپسین سال‌های پادشاهی ناصرالدین‌شاه فراهم آورده است. تنها نسخه خطی موجود ناهمدستی نثر فارسی را آشکار می‌سازد. شباهت این

واژه‌نامه با *مرآة البلهاء* (← مدخل زیر) اندک است، هرچند همزمان تألیف شده‌اند. این فرهنگ حاوی ۱۵۸ واژه است و از حیث تعریف‌نگاری با همتای خود تفاوت دارد. به گفته آل داود به جرئت می‌توان گفت که واژه‌های آن عموماً در کتب لغت و در آثار شاعران و نویسندگان وارد نشده‌اند.

فرهنگ مزبور دارای نظم الفبایی نیست و گویا مؤلف هرچه می‌شنیده یا به‌دستش می‌رسیده فوراً ضبط و پاکتویس می‌کرده است. متأسفانه کتاب ناقص و ناتمام است. مجدالدین کیوانی تصریح کرده که بعضی از این واژه‌ها هنوز هم در شهر اصفهان رایجند و مردم عادی در محاوره آن را به‌کار می‌برند. چند نمونه از مدخل‌های فرهنگ واژه‌های عامیانه را در پی می‌آوریم:

گاگول: با کاف فارسی، اشخاص جسیم بلغمی مزاج را گویند که در عمرهای دراز معاشرت با مردمان خوب و تربیت‌های دوری، به‌حالت طفولیت و رضاع باقی باشد و جز طرز و روش‌های خود را در عالم عیب دیوانگی دانند.

لُختی: جوان‌های مدرسه دارالفنون و نمره [امثال و نظایر] آنها که فقط سالی دو دست ملبوس دوخته نظامی و شبی با دو گیلان عرق بی‌مزه شادان و خوشحال باشند و دیگر به کمال هنر بیردازند.

۳. *مرآة البلهاء* (در عهد ناصری) (۱۲۶۹ و ۱۲۸۲)

منسوب به حبیب‌الله لشکرنویس، شریعتمدار تبریزی

واژه‌نامه مختصری است مرکب از اصطلاحات عامیانه که بیش‌تر جنبه طنز دارد. نام مؤلف این فرهنگ که چند نام دارد معلوم نیست. *مرآة* که در مفصل‌ترین چاپ آن حاوی ۱۲۴ واژه و اصطلاح است، بی‌شبهت به برخی از آثار عبید زاکانی — به‌نظر ا. نجفی به‌شیوه تعریفات (← ص. بیست‌وشش) — نیست. تاکنون افراد مختلف تحت نام‌های مختلف کتاب را درآورده‌اند: ایرج افشار در *راهنمای کتاب*، محمود کتیرایی به‌همراه کلثوم‌زنه از آقاجمال خوانساری و آخرین فرد، احمد مجاهد، با نام *لغات مصطلحه عوام*.

۴. *امثال و حکم* (۱۳۰۸-۱۳۱۱)

علی‌اکبر دهخدا (۱۲۵۷-۱۳۳۴)

امثال و حکم در اصل مجموعه یادداشت‌های دهخدا مشتمل بر مثل، حکمت، اصطلاح و حتی اخبار و حدیث است که در چهار جلد در فاصله سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ به‌طبع رسید.

امثال کشکولی از مقوله‌های مختلف زبانی نظیر مَثَل، اصطلاح، کنایه، استعاره، کلمه قصار، حکمت، زبانزد و مانند آن است که نشان می‌دهد دهخدا نیز در فرق‌گذاری و مرزبندی آن‌ها دچار تردید شده چون ملاک قاطع و مشخصی در دست نداشته بوده است. محمد معین این نکته باریک را در مقدمه لغت‌نامه دهخدا می‌آورد و پاسخ را نیز از زبان استاد بازمی‌گوید.

البته باید گفت درصد اندکی از پیکره مَثَلِ امثال و حکم حاوی مثل‌های عامیانه است. در میان همین مثل‌های عامیانه، مثل‌های مشهور و متداول و واژه‌های مستهجن نیز یافت می‌شوند، هرچند بعضی وجود این الفاظ را در امثال و حکم از عیوب کار دهخدا دانسته‌اند (مثلاً به گفته سیداحمد پارسا، ۱۳۹۴ مراجعه کنید). ا. نجفی امثال را به‌طور اخص از جمله فرهنگ‌های زبان عامیانه فارسی نمی‌داند.

۵. الف) داستان‌های امثال (۱۳۲۴) (ج ۱) / (۱۳۳۳) (ج ۲)

ب) هزارویک سخن در امثال و نصایح و حکم (۱۳۳۹)

پ) فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی (۱۳۳۹؟)

امیرقلی امینی (۱۲۷۶-۱۳۵۷)

الف) امیرقلی امینی روش کار خود را بر این اساس گذاشت: نخست، پیکره‌ای مکتوب یا نوشتاری بر پایه جامع‌التمثیل و نفائس‌الغنون و دوم پیکره‌ای شفاهی یا گفتاری و به‌قول خودش «بهترین مخزن و دفتر یعنی حافظه افراد مختلف» (مقدمه ۱۳۹۲: ۱۷) آن‌هم در حین «محاوره و مکالمه با افراد طبقه تحصیل کرده یا افراد بی‌سواد و عامی» (همان). وی کار را طی هجده سال در معاشرت‌های خود با پیشه‌وران، نوکرها، درشکه‌چی‌ها، شوهرها و در دهات با کشاورزان گرد آورد. کتاب در ۱۳۱۷ در دو جلد به‌تمام رسید و برای چاپ به وزارت فرهنگ وقت سپرده شد که پس از هفت سال خاک‌خوردن شخصاً اقدام به نشر آن کرد. در لابه‌لای امثال الفاظ و ترکیبات رکیک و مستهجن نیز به‌چشم می‌خورد.

ب) هزارویک سخن [در امثال] مجموعه‌ای است که در ۱۳۳۹ ش. در برلین به‌طبع رسید. کتاب به‌زعم احمد بهمنیار، «حاوی» سخنان و پاره‌ای امثال سائره و در پاره‌ای کلمات قصار... و جزء حکم محسوب می‌شوند و حتی بعضی از آن سخنان اثر فکر خود مؤلف است» (۱۳۵۷: لد). مؤلف از روش سنتی یعنی یادداشت‌برداری — درواقع پیکره‌نگاری — بهره برده است.

پ) فرهنگ عوام را امینی به‌توصیه پتر ایوری با افزودن الفاظ و ترکیبات و اصطلاحات عامیانه به پیکره امثال خود تدوین کرد و در این کار از فرهنگ نظام (داعی الاسلام)، کمک

بسیاری از یاران و همراهان (از جمله عبدالباقی نواب)، نقدونظ‌های کسانی چون محسن کتیرایی بر کتاب و تفسیرهای شخصی خود از *امثال و حکم* دهخدا بهره برد. حاصل این همه به صورت فرهنگ عوام یا تفسیر *امثال و اصطلاحات زبان پارسی* به چاپ رسید.

۶. فرهنگ عامیانه: *امثال، لغات و مصطلحات* (۱۳۲۶)

یوسف رحمتی (؟-؟)

آل داود در توصیف این فرهنگ می‌نویسد، «لغات از *امثال و اصطلاحات* تفکیک و هر یک به ترتیب الفبایی منظم شده است. مؤلف این فرهنگ تنها به پژوهش‌های میدانی اکتفا کرده و به آثار مکتوب مراجعه نداشته است» (آل داود ۱۳۸۶: ۹). این کتاب بالغ بر ۱۳۳ صفحه و سعید نفیسی مقدمه‌ای بر آن نگاشته بوده است.

۷. فرهنگ لغات عامیانه (۱۳۳۸)

سید محمدعلی جمال‌زاده (۱۲۷۰-۱۳۷۶)

از میان اسلنگ‌نگاران سلف شاید کار جمال‌زاده از همه دقیق‌تر و به زبان اسلنگ و متعلقات آن نزدیک‌تر باشد. کتاب به گفته خود او حاوی ۷۲۰۰ مدخل است. او «اولین مجموعه حدوداً حاوی چهارصد واژه و اصطلاح عامیانه» را «به ضمیمه یکی بود یکی نبود در ۱۳۰۰ ش. در خارج ایران منتشر کرد» (ا. نجفی ۱۳۹۰: ۱۳۵). جالب است که می‌بینیم شخص مشخصی چون علامه محمد قزوینی از نوآوری کلامی و زبانی جمال‌زاده در یکی بود یکی نبود، به سبب سبک متفاوت و احتوای آن بر الفاظ و تعبیر عامیانه، اظهار سرور و خشنودی کرده معترف است که، «شهد الله که از عمر خود برخوردار شدم و حلاوت عبارات روان‌تر از ماء زلال و گوارتر از رحیق و سلسال آن کام روح و قلب، بلکه تمام وجود مرا شیرین نمود» (۱۳۷۷: ۱۰۰۶). تعطیل روزنامه فکاهی *امید* در ۱۳۱۵ ش. آهنگ کار را بر وی پُرشتاب‌تر ساخت و خود روزنامه منبع اصلی واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه شد. جمال‌زاده به شرحی که محمدجعفر محجوب در مؤخره خود بر فرهنگ لغات عامیانه آورده، «با صرف وقت بسیار و خرج کردن عمر گرانمایه و پُر حاصل خود در این کار در طی سالیان دراز، کوشیده» (۱۳۸۲: ۵۸۹) است قدمی در راه جمع‌آوری لغات عوام بردارد و ناگزیر بوده «این کار را از آغاز بنیان‌گذاری کند» (همان). گذشته از این‌ها، مقدمه موسع و صدوسه‌صفحه‌ای گردآورنده کتاب بسیاری از ریزه‌کاری‌ها و زوایای کار اسلنگ‌پژوهی و اسلنگ‌نگاری را بر خواننده تیزبین و علاقه‌مند روشن می‌سازد تا بتوان گام(های) بعدی را برداشت. در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

آبی آبی خواندن (قمار)؛ دردو؛ آپارتی؛ آل؛ استخوان سبک کردن؛ تیلۀ کسی بودن؛ جاجاجاجا؛ فور زدن؛ کی بود کی بود من نبودم؛ سینه کردن (دیوار).

۸. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم (۱۳۵۳)

مهدی پرتوی آملی (۱۳۶۸-۱۲۹۶)

پرتوی آملی با صرف بیست و پنج سال حاصل اهتمام و مجاهدت خود را در قالب این کتاب عرضه کرد. منابع تحقیق او فقط به آثار مکتوب منحصر نبود بلکه با بهره‌گیری از روش تحقیق میدانی «از هر کسی که گمان می‌رفت علم و اطلاع از امثال و حکم داشته باشد ریشه تاریخی و منابع و مآخذ آن را پرسش کرده‌ام. و خلاصه به هر دری زدم و از هر ندایی بهره برده‌ام تا این ران ملخ به دست آمد» (مقدمه ۱۳۸۵: هفده). مؤلف در این کتاب به ریشه‌یابی و شرح و توضیح ۳۵۱ مثل و حکمت پرداخته است. نمونه‌هایی از تعبیر و اصطلاحات و امثال به شرح زیرند:

از پشت خنجر زدن؛ از کیسه خلیفه بخشیدن؛ دو قورت و نیمش باقی بودن؛ چرب کردن سبیل؛ کلک زدن؛ سروکیسه کردن؛ آب‌زیرکاه؛ آتش‌بیار معرکه.

۹. کتاب کوچه (۱۳۵۵ و ۱۳۵۷)

احمد شاملو (۱۳۷۹-۱۳۰۴)

به‌گمان نجفی، «کتاب کوچه دومین فرهنگ مهم عامیانه بعد از فرهنگ لغات عامیانه جمال‌زاده است» (۱۳۹۰: ۱۳۶). شاملو در زمان حیات خود از تمام مداخل فیش‌برداری کرد که از سال ۱۳۵۷ تاکنون ۱۳ جلد آن (الف-ح) به انتشار رسیده است اما دامنه کار به‌حدی وسیع بوده که گردآورنده و همکاران کوشای وی در تمام این سال‌ها توفیقی در تکمیل آن نیافته‌اند و کار در دست‌انداز مشکلات گوناگون به‌کندی پیش می‌رود. شاملو در مقدمه کتاب کوچه می‌نویسد، «فراهم آوردن این کتاب، دست تنها و یک تنه کاری جنون‌آمیز بوده است؛ بخصوص که دوبار هم بخش عمده یادداشت‌ها و اوراق آن بی‌رحمانه نابود شد.... همه کلمات را در لغت‌نامه‌ها نمی‌نویسند و برای ضبط مفهوم کلماتی از قبیل «دردو» و «چگه» — که به قول پدربزرگ مورد استعمال عوام است — فرهنگی تدوین نکرده‌اند... اما هرچه بود ضبط کلماتی را که مورد استعمال عوام بود کم و بیش از همان تاریخ آغاز کردم و البته بی‌هیچ ضابطه‌ای در کار و بدون اختیار داشتن هیچ گونه معیار و محکی برای تشخیص» (۱۳۷۷: هفت).

شاملو در ادامه می‌گوید، «شیوه کلی و اساسی تدوین کتاب کوچه را بر نظام الفبایی

خاستگاه و محورهای نهاده‌ایم و آنگاه همه مواردی را که خاستگاه و محور مشترکی دارند زیر آن خاستگاه برحسب موضوع گروه‌بندی کرده‌ایم. موضوع‌های اصلی اینها است: باورهای توده، آداب و رسوم، آئین‌ها، ترکیبات جمله‌ای و شبه‌جمله‌ای (شامل ادبیات و اشعار)، خوابگزاری، چیستان، احکام، بازی‌ها، امثال و حکم، ترانه و تصنیف، تعبیرات مصدری، دعا، نفرین، سوگند، دشنام و ترکیبات دیگر» (همان: ۱۳۹۰: ۱۳۶) است و به‌قول

همین خصلت‌هاست که کتاب را به کشکولی رنگارنگ و البته باارزش و پرمحتوا بدل کرده منتها «فاقد روش دقیق و چهارچوب منسجم» (۱۳۹۰: ۱۳۶) است و به‌قول دبیرسیاقی چنین کتابی ذیل «فرهنگ‌گونه‌ها» [اسلنگ] می‌گنجد.

آنگاه شاملو شرح کشافی از راهنمای استفاده از کتاب کوچه به‌دست می‌دهد. از جمله درباره ضبط صورت ماده‌ها: «ماده‌ها را به‌هر دو صورت گفتاری و کتابی ضبط کرده‌ایم... با وجود این بخصوص در چیستان‌ها، شمار بسیاری را تنها به صورت گفتاری‌شان ضبط کرده‌ایم چراکه ضبط کتابی آنها به ارزش‌های صوتی‌شان لطمه می‌زده یا در وزن و قافیه‌ای که دارند اختلال می‌کرده است» (همان: ۱۲). آنچه مؤلف بدان تصریح می‌کند شمول و دامنه کتاب کوچه است که همان فلکلور منطقه تهران بوده. هر جلد برای خود فهرست راهنمای مستقل و کامل دارد تا کار مراجعه برای خواننده سهل‌تر شود.

وانگهی شاملو در این مقدمه، به نقد کاستی‌ها، سهوها و عیب‌های کار خود نیز جابه‌جا پرداخته است. در پایان مجلد اول در ذیل عنوان فهرست مجلدات سه‌گانه حرف «آ» پاره‌ای نکات مهم را در تدوین کتاب و راهنمای استفاده از آن توضیح می‌دهد. نمونه‌هایی اندک از کتابی سترگ:

آچارچرخ؛ آچاررینگ (ی)؛ دهن □ را آب انداختن؛ مثل اسفند روی آتش؛ آرخالق؛ آفرین؛ آنکارت (اصطلاح قمار)؛ آها.

۱۰. رجال عصر ناصری (۱۳۶۱ش).

دوستعلی خان معیرالممالک (۱۲۵۴-۱۳۴۵)

دوستعلی خان معیرالممالک، فرزند دوست‌محمدخان و عصمت‌الدوله، مادرش و دختر دوم ناصرالدین‌شاه، است که در رجال عصر ناصری گروهی از شخصیت‌های عصر قاجار را به‌فراخور مقام معرفی می‌کند.

نکته جالب در این کتاب فصل ۳۱ آن است که اختصاص به «کبوتر و کبوتربازی» دارد و از منظر زبان‌شناسی اجتماعی-تاریخی و بررسی زبان طبقه خاصی تحت نام «کبوتربازها» و نیز «مصطلحات کبوتربازی» — که به نوعی جبارگن یا گنت و/یا حتی

آرگو (← ص. شصت و یک) محسوبند — حائز اهمیت است. اصطلاحاتی مانند «نقش‌باز؛ زرد خال‌سیاه؛ فری کاپوسین؛ کراواته؛ چتری؛ نخبه؛ عشق‌باز؛ رنگرز؛ گت؛ نوک‌تیزه؛ پلنگ؛ جوجه‌کشی؛ سو (= وفاداری به لانه)؛ گنجه (= لانه)؛ تن‌هم‌زدن؛ نی‌بندی؛ عرصه‌رسیدن؛ چاق‌دان؛ دان‌سوز؛ جلدکردن؛ تکان‌دادن؛ سیاهی؛ واریزکردن و راه‌دادن» گوشه‌ناچیزی از زبان رنگین این صنف یا جماعت را نشان می‌دهد.

۱۱. الف) فرهنگ معاصر: شامل لغات و ترکیبات عامیانه و واژه‌های نو و متداول در آثار نویسندگان معاصر (۱۳۶۶)

ب) فرهنگ لغات عامیانه و معاصر: شامل لغات و ترکیبات عامیانه و واژه‌های نو و متداول (ویراست ۲) (۱۳۷۷)

رضا انزابی‌نژاد (۱۳۱۵-۱۳۹۱) و منصور ثروت (۱۳۲۷-)

مؤلفان در مقدمه کتاب گفته‌اند که مقصود ایشان از گردآوری مداخل پرشمار کتاب تکمیل کار محمدعلی جمال‌زاده در فرهنگ لغات عامیانه (← ص. بیست‌ونه) بوده است، زیرا به‌زعم آنان در «بیست‌وینج سال»ی که از انتشار کتاب می‌گذرد «نویسندگان متعددی پا به عرصه وجود نهاده‌اند که در عهد داستان‌نویسی جمال‌زاده یا متولد نشده بوده‌اند یا کودک نوپایی بوده‌اند» (دیباچه ۱۳۷۷: ۴). چون فرهنگ‌های لغت عمدتاً متکی بر واژگان کهن بوده‌اند مخاطب امروزی که در پی معنای لغات نوساخته است به‌ندرت پاسخی مطلوب می‌یابد و معنای دقیق از دسترس به‌دور می‌ماند. پس فرهنگی لازم است که جامع لغات محاوره و عامیانه و البته جدید و معاصر باشد. گویا گردآورندگان با وجود کوشش بسیار که اعم از مطالعه ۱۸۰۰۰ صفحه مطلب از داستان‌نویسان معاصر و رجوع به لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و چند فرهنگ دیگر بوده است، سرانجام به تعریف جامع و مانعی از واژگان عامیانه نرسیده‌اند و «با توجه به این‌که هنوز مرزهای دقیق لغات عامیانه و رسمی در ادبیات ما ... روشن نیست» آن‌ها نیز نتوانسته‌اند «به نتیجه قطعی در تعیین چارچوب درست لفظ «عامیانه»» (همان: ۶) برسند. این خلط بزرگ موجب شده است که هم به تعبیر نابی همچون «ختم چارضرب» و «فِزَنات» بر بخوریم و هم به الفاظ آشنا و حتی رسمی همچون «بررسی کردن» و «ستوان». اهتمام بلیغ مؤلفان در استخراج مداخل و تعریف و ضبط تلفظ و ارائه شواهد مثال بی‌گمان شایسته قدردانی است، لیکن کتاب همچون بسیاری از فرهنگ‌های لغت یک‌زبانه و دوزبانه‌ای که دیروز و امروز به‌دست خریدار رسیده به دو آفت اساسی مبتلاست: یکی ناتوانی در تعریف دقیق ماده و موضوعی که مبنای کار قرار می‌گیرد و دیگری عدم تعیین دامنه و محدوده مداخل.